



پژوهشنامه حقوق کیفری

سال یازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

شماره پانزدهم

مقاله: پژوهشی صفحات ۲۷۰-۲۴۳



انجمن ایرانی حقوق جزا

DOI: 10.22124/ol.2020.14805.1797

تأملی در امکان سنجی اعمال صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به جرایم زیست‌محیطی

دکتر هیبت‌الله نژندی منش^۱

سید علی حسینی آزاد^۲ ✉

دکتر مجید زحمتکش^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۲۷

چکیده

دیوان بین‌المللی کیفری به موجب اساسنامه خود صلاحیت موضوعی مشخصی نسبت به چهار جنایت اصلی بین‌المللی دارد. این جنایات، مهم‌ترین جنایاتی هستند که نگرانی عمده جامعه جهانی می‌باشند. جرایم زیست-محیطی در میان این چهار عنوان وجود ندارد. بنابراین پرسش این مقاله این است که آیا دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند به اعمال صلاحیت نسبت به جرایم زیست‌محیطی بپردازد. جرایم زیست‌محیطی به‌طور کلی از شرایط عمومی که لازمه جنایات تحت صلاحیت دیوان است، مانند شدید بودن و بین‌المللی بودن، برخوردارند و از این‌رو در قالب اساسنامه نیز می‌توانند تحت بررسی قرار گیرند. هرچند، در نظم حقوقی بین‌المللی فعلی، امید چندانی به اصلاح اساسنامه و درج عنوان مجرمانه جدیدی تحت نام جنایت زیست‌محیطی وجود ندارد، اما مقررات فعلی اساسنامه به قدر کفایت از گنجایش و ظرفیت لازم برای شمول بر جرایم زیست‌محیطی تحت هر یک از سه عنوان ژنوسید، جنایات جنگی و بخصوص، جنایت علیه بشریت برخوردار است.

واژگان کلیدی: جرایم زیست‌محیطی، دیوان بین‌المللی کیفری، جنایت بین‌المللی، اساسنامه رم، صلاحیت موضوعی.

۱. استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

✉ saha_110@yahoo.co.uk

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

۳. دانش‌آموخته دکتری تخصصی رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

دیوان بین‌المللی کیفری حاصل سال‌ها مجاهدت ارکان و اعضای ملل متحد، سرانجام در سال ۱۹۹۸ به موجب اساسنامه‌ای که در کنفرانس رم به امضاء دولت‌ها رسید،^۱ تولد یافت و عملاً از سال ۲۰۰۲ کار خود را شروع نمود (Official website of ICC).^۲ دیوان، که در آستانهٔ قرن جدید با رویکرد و طرحی نو در منظومهٔ حقوق بین‌الملل پدیدار شد، از مسئولیت فردی اشخاص می‌گفت که تا پیش از آن جز در محاکم کیفری اختصاصی، بی‌سابقه بود. صلاحیت موضوعی^۳ دیوان به موجب ماده ۵ اساسنامه رم، رسیدگی به چهار جنایت عمدهٔ بین‌المللی مشخص، یعنی جنایت ژنوسید،^۴ جنایت علیه بشریت،^۵ جنایات جنگی^۶ و جنایت تجاوز سرزمینی^۷ می‌باشد.

حقوق بین‌الملل کیفری از اصل به دنبال حمایت از ارزش‌های مشترکی است که جامعهٔ بین‌المللی آنها را به حدی مهم می‌داند که فرد ناقض یا تهدیدکنندهٔ ارزش‌های مزبور را سزاوار مجازات می‌داند. نگاهی به اسناد بین‌المللی مربوط به محیط زیست آشکار می‌سازد که دامنهٔ وسیعی از ارزش‌های زیست‌محیطی در این چارچوب می‌گنجد؛ از زیبایی‌های طبیعی گرفته تا یکپارچگی محیط زیست به‌طور کل (McCaffrey, 2008: 1024). این امور در کنار مفاهیمی چون ودیعه بودن زمین، عدالت اقلیمی، عدالت یا انصاف میان‌نسلی^۸ و توسعهٔ پایدار بیش از پیش چهرهٔ بین‌المللی بودن مخاطرات زیست‌محیطی را نمایان می‌سازد. امری که با اعمال اصل عدالت میان‌نسلی نه تنها از مرز مکان، که از دامنهٔ زمان نیز می‌گذرد. اسناد زیست‌محیطی متعددی به ضرورت توجه به نسل‌های آتی اشاره کرده‌اند^۹ و مقدمهٔ اساسنامه رم نیز یکی از انگیزه‌های تشکیل

1. Rome Statute of the International Criminal Court, 17 July 1998

2. <https://www.icc-cpi.int/about>

3. Subject-matter jurisdiction

4. The crime of genocide

نگارندگان بر این نظر هستند که هیچ یک از معادل‌های فارسی متداول برای واژه‌ی «ژنوسید»، از جمله عباراتی چون نسل‌کشی، نسل‌زدایی، قتل عام، کشتار جمعی و ... آینده‌ی تمام نمای جرم مزبور و منعکس‌کننده‌ی تمام جوانب آن نمی‌باشد. بنابراین، واژه‌ی «ژنوسید» گویا تر و به مقصود نزدیک‌تر است. همچنین، تلفظ فرانسوی این واژه (ژنوسید) از آن جهت مناسب‌تر به نظر می‌رسد که اولاً از تلفظ انگلیسی آن (جنوساید) در زبان فارسی معمول‌تر و مرسوم‌تر است و ثانیاً، اصطلاح ناصحیح «ژنوساید» که ترکیبی از تلفظ انگلیسی و فرانسوی است، هیچ مبنای زبان شناختی نمی‌تواند داشته باشد.

5. Crimes against humanity

6. War crimes

7. The crime of aggression

8. Inter-generational justice or equity

9. See: the Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Flora and Fauna (CITES), Signed at Washington, D.C., on 3 March 1973, at preamble; the 1946 Convention for the Regulation of Whaling, at Preamble.



دادگاهی دائمی را توجه به نسل حاضر و آینده دانسته است (Rome Statute, 1998: at preamble).

در حقوق بین‌الملل کنونی، مفهومی تحت‌عنوان «جرائم زیست‌محیطی»^۱ به صورتی که مستقیماً توسط حقوق بین‌الملل شناسایی و به موجب آن نیز مجازات شود، وجود ندارد. به عبارت دیگر، اتفاق نظری در خصوص تعریف این مفهوم در هیچ کنوانسیون یا قاعده عرفی به چشم نمی‌خورد (Mistura, 2018: 196). از میان اسناد متعدد، برنامه استراتژیک پلیس بین‌الملل برای سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، جرم زیست محیطی را این‌گونه تعریف می‌کند: «هرگونه نقض حقوق ملی یا بین‌المللی محیط زیست یا معاهده‌ای که به منظور تضمین حفاظت و بقای محیط زیست جهانی، تنوع زیستی^۲ یا منابع طبیعی تدوین شده باشد» (Interpol, 2009-2010).

حقوق بین‌الملل محیط زیست که خصلتی ذاتاً پیشگیرانه برای حمایت از محیط زیست دارد، کمتر دارای ابعاد کیفری است. با این حال، اسناد زیست‌محیطی متعددی هستند که برخی اعمال علیه محیط زیست یا منابع طبیعی و حیات وحش را جرم انگاشته، منتهی تعقیب و مجازات مرتکبان آن را به نظام حقوقی داخلی واگذار کرده و یا نیازمند همکاری‌های بین‌المللی دولت‌ها دانسته‌اند (Mistura, 2018, 200). به هر حال، به نظر می‌رسد که نظام حقوق بین‌الملل محیط زیست به رغم تعدد و فراوانی اسناد و منابع، در حال حاضر به تنهایی قادر نخواهد بود از جرایم شدید زیست‌محیطی جلوگیری کند (Rauxloh, 2011: 426). در واقع، بدون وجود یک نظام و اقتدار مرکزی و مسائلی نظیر هماهنگی میان تعارض‌های موجود در عرصه حقوق بین‌الملل، نمی‌توان از ارائه راهکار مناسب در این حوزه از حقوق برخوردار شد (نجفی اسفاد و جلالیان، ۱۳۹۱: ۲۱۷). از این جهت است که حقوق بین‌الملل کیفری به یاری طلبیده می‌شود تا ضمن «توجهی سبز» به صلاحیت‌های موجود، بتواند با راهکارهای کیفری از محیط زیست حمایت لازم به عمل آورد. چرا که قطعاً اگر جرایم زیست‌محیطی که در حال حاضر تعقیب و کیفر آنان به نظام‌های حقوقی داخلی سپرده شده است، به یک نهاد کیفری بین‌المللی واگذار شود، این نظام کیفری ضمن ارتقای حتمیت و قطعیت مجازات‌ها، می‌تواند حاوی حمایتی بهتر از محیط زیست باشد. از این‌رو، حقوق بین‌الملل کیفری در قالب مقررات اساسنامه رم، بایستی به‌عنوان آخرین راه‌کار^۳ به منظور مجازات ایراد خسارات فاحش به محیط زیست و به جهت پایان بخشیدن به بی‌کیفری مورد استفاده قرار گیرد. این مسأله باید با الهام از رویکرد «جرم‌شناسی سبز»^۴ به سمت پر کردن خلاءهای

1. Environmental Crimes
2. biodiversity
3. ultimo ratio
4. Green Criminology

حمایتی محیط زیست به پیش برده شود (جعفری و احمدی، ۱۳۹۸: ۶۱۵). بنابراین، طبیعت ذاتاً پیشگیرانه^۱ حقوق بین‌الملل محیط زیست بایستی با جوهر تنبیهی^۲ حقوق بین‌الملل کیفری تکمیل گردد (Rauxloh, 2011: 444). به این دلیل است که نگارندگان سعی دارند، علاوه بر مقررات جزایی که در اسناد بین‌المللی متعدد در خصوص تخریب محیط زیست دیده می‌شود، به لحاظ تئوریک نشان دهند که دیوان بین‌المللی کیفری نیز می‌تواند بر این جرایم اعمال صلاحیت کند. نظر به مراتب فوق، مقاله‌ی حاضر می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که آیا جرایم زیست‌محیطی می‌تواند بر اساس مقررات موجود و در صورت نیاز، اصلاح این مقررات، در صلاحیت موضوعی دیوان بین‌المللی کیفری قرار بگیرد.

بنابراین، لازم است ابتدا نشان داده شود که در حقوق بین‌الملل برخی اعمال ارتكابی علیه محیط زیست به‌عنوان جرم شناسایی شده است تا بتوان به درستی از عبارت «جرایم زیست‌محیطی» استفاده کرد. بند نخست مقاله به اثبات جرم‌انگاری برخی اعمال ارتكابی علیه محیط زیست اختصاص دارد. ضمن اینکه این شرط (یعنی جرم‌انگاری بین‌المللی) خود فی‌نفسه پیش‌شرطی برای اعمال صلاحیت دیوان نیز می‌باشد. بنابراین پرداختن به این موضوع، درآمدی دقیق‌تر به بحث صلاحیت دیوان را طرح می‌ریزد. در بند دوم، که بخش اصلی مقاله است به تحلیل امکان اعمال صلاحیت دیوان بر اساس مقررات فعلی اساسنامه رم پرداخته می‌شود و در نهایت در بند سوم، امکان اصلاح اساسی اساسنامه به بحث گذارده می‌شود. توجه به بند سوم از آن جهت ضروری است که در صورتی که نتوان در قالب مقررات فعلی صلاحیتی برای دیوان نسبت به اعمال علیه محیط زیست فرض کرد، آنگاه باید دید آیا می‌توان در شرایط کنونی جامعه بین‌المللی در انتظار اصلاح اساسنامه بود یا خیر.

۱. جرم‌انگاری اعمال ارتكابی علیه محیط زیست در حقوق بین‌الملل کیفری

برخی بیان داشته‌اند که عملی می‌تواند ذیل حقوق بین‌الملل کیفری قرار بگیرد که بدو به موجب حقوق بین‌الملل جرم‌انگاری شده باشد (Cryer and others, 2007: 5). این دیدگاهی است که دادگاه نورنبرگ نیز آن را تأیید می‌کند. دادگاه نورنبرگ بیان می‌دارد که «جنایت بین‌المللی عملی است که به‌طور جهانی جرم شناخته شود» (XI Law Reports of Trials of War Criminals) (1949) 1241. در موردی دیگر نیز عنوان می‌کند: «حقوق بین‌الملل تکالیف و مسئولیت‌هایی را همان‌گونه که بر دولت‌ها تحمیل می‌کند بر افراد نیز تحمیل می‌کند...» (International

1. Preventive
2. Punitive

(Military Tribunal, 1947: 220-221) این نظر که به جرم‌انگاری مستقیم^۱ معروف است نمی‌تواند مورد تأیید اساسنامه‌ی رم باشد، چرا که این سند در هیچ یک از بندها و مواد خود نه چنین مقرره‌ای دارد و نه چنین تفسیری را تاب می‌آورد. بلکه آنچه ملاک بین‌المللی بودن یک عمل مجرمانه است، جرم تلقی شدن به موجب حقوق بین‌الملل است، فارغ از اینکه در حقوق داخلی به رسمیت شناخته شده باشد یا خیر. همانطور که گفته شد اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری این ایده را رد می‌کند و معتقد نیست که جنایت بین‌المللی مستقیماً توسط حقوق بین‌الملل جرم‌انگاری شده است. اساسنامه رم حتی عبارت «جنایت به موجب حقوق بین‌الملل» را نیز ذکر نمی‌کند، بلکه برعکس جرم‌انگاری داخلی جنایات بین‌المللی را با رویکرد تکمیلی^۲ که دارد، (the Rome statute, 1998: art. 1) تقویت می‌کند (Heller, 2017: 24).

بنابراین نظر دیگری که می‌توان ارائه داد این است که عمل مزبور علیه حقوق بین‌الملل^۳ ارتکاب یافته باشد. دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق بیان می‌دارد که جنایت بین‌المللی آن اعمالی هستند که فارغ از محل ارتکاب به صورت جهانی محکوم (تقییح)^۴ می‌شود (ICTY, Dec. 10, 1998: para. 156).

شاید بتوان معیار بین‌المللی بودن را «فراملی»^۵ بودن نیز دانست. برخی، «جنایات موجد نگرانی بین‌المللی» را همان جنایات فرامرزی دانسته‌اند. (Cryer, 2008: 109) این مسئله بدون آنکه بتواند موضوع را وارد حقوق جزای بین‌الملل یا حقوق کیفری فرامرزی^۶ بکند، فی‌نفسه از این جهت می‌تواند مورد تأیید باشد که گویای طبیعت فرامرزی بودن این‌گونه جنایات است.^۷ این مرزگذر بودن به این معنی است که عمل مزبور بر اساس برنامه‌ریزی‌ها، طراحی و ارتکاب و یا بر اساس اینکه قربانیان یا مرتکبان آن متعلق به چند دولت باشند، بیش از یک دولت را تحت تأثیر قرار

1. Direct Criminalization
2. complementarity
3. a crime against International law
4. condemned
5. Transnational
6. Transnational Criminal Law

۷. قطعاً این مسئله به معنی نفی امکان اعمال صلاحیت جهانی یا فرامرزی در خصوص جنایات بین‌المللی موضوع حقوق بین‌الملل کیفری نیست. فقط از این جهت بر آن تأکید شد که هر جرم موضوع صلاحیت جهانی، لزوماً مربوط به حقوق بین‌الملل کیفری نبوده و نیز هر جرم موضوع حقوق بین‌الملل کیفری، خودبخود موضوع صلاحیت جهانی قرار نمی‌گیرد. ضمن اینکه، ماهیتاً، میان جرم بین‌المللی و محاکم و دادگاه‌های بین‌المللی وابستگی وجود ندارد. یعنی اینکه، اعمال صلاحیت یک دادگاه بین‌المللی بر یک عمل، آن را تبدیل به جرمی بین‌المللی نمی‌کند. نویسندگانی نیز که بر این باورند، (Einarsen, 2012: 160) نظر آنها نمی‌تواند همسو با رویکرد دیوان بین‌المللی کیفری باشد.

می‌دهد (Bassiouni, 2008: 133). جرایم زیست‌محیطی به روشنی ماهیتی فرامرزی داشته و باعث می‌شوند نظام‌های حقوقی متعددی در آن دخیل شوند (جعفری و احمدی، ۱۳۹۸: ۶۱۵). در نهایت، متن پیش‌نویس تهیه شده توسط کمیته تعیینی از جانب مجمع عمومی در سال ۱۹۵۳ در خصوص صلاحیت کیفری بین‌المللی، اشاره می‌داشت که «مرجعی بین‌المللی و کیفری ایجاد خواهد شد که به محاکمه کسانی می‌پردازد که متهم به ارتکاب جنایاتی هستند که به‌طور عام به موجب حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است.» (Committee on International Criminal Jurisdiction, Revised Draft Statute for an International Criminal Court, Basic Documents of the United Nations 100, 1953). بنابراین ملاحظه می‌شود که آنچه بایستی در صلاحیت دیوان قرار می‌گرفت، جرمی بود که حقوق بین‌الملل آن را شناسایی کرده باشد. لذا، این ایده قابل دفاع‌تر به نظر می‌رسد که یک عمل، زمانی تبدیل به یک جرم یا جنایت بین‌المللی خواهد شد که توسط حقوق بین‌الملل شناسایی شده باشد، فارغ از اینکه در حقوق داخلی جرم‌انگاری شده باشد یا خیر. به نظر می‌رسد، در خصوص جرایم زیست‌محیطی این شناسایی به خوبی انجام شده است.

از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی که اعمال علیه محیط زیست را به‌عنوان جرم مورد شناسایی قرار داده‌اند، می‌توان به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری اشاره کرد که در شق «ب» بند دوم ماده ۸ مقرر می‌دارد: «آغاز عمدی حمله با علم به اینکه چنین حمله‌ای منجر به تلفات جانی و صدمات جسمی غیرضروری به غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی یا منجر به خسارات شدید^۱، درازمدت^۲ و گسترده^۳ به محیط زیست طبیعی می‌شود و به روشنی بیش از مزایای نظامی قابل پیش‌بینی باشد»، می‌تواند بخشی از یک حمله تلقی گردد که «جنایت جنگی» محسوب می‌شود.

ماده ۵۵ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیز حمایت از محیط زیست را در زمان مخاصمات مسلحانه الزامی دانسته و بیان می‌دارد که محیط زیست طبیعی بایستی در برابر هرگونه تخریب گسترده، درازمدت و شدید حمایت شود. حمایت مزبور شامل ممنوعیت به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای جنگی است که به قصد ایراد چنین خساراتی به کار رود یا انتظار آن وجود داشته باشد، و در نتیجه سلامت و بقا یک جمعیت را متأثر سازد. همچنین در ادامه، ماده مزبور هرگونه حمله علیه محیط زیست طبیعی در قالب عمل متقابل^۴ را نیز ممنوع می‌کند. (Additional Protocol (I) to the 1949 Geneva Conventions, 1977: art. 55).

1. severe
2. long-term
3. widespread
4. reprisals

روش‌ها و ابزارهای جنگی که منجر به ایراد خسارت گسترده، درازمدت و شدید به محیط زیست شود، در بند ۳ ماده ۳۵ پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو نیز تصریح شده است. در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز اسناد زیست‌محیطی متعددی به شناسایی کیفری اعمال ارتكابی علیه محیط زیست و قابلیت مجازات اعمال مزبور اشاره داشته و مشخص است که نگاه آن اسناد به نقض مفاد خود نگاهی مبتنی بر شدت واکنش می‌باشد. در بسیاری از این اسناد، ضمن جرم شناختن عمل ارتكابی، از دولت‌های طرف کنوانسیون یا موافقت‌نامه خواسته می‌شود که کلیه اقدامات لازم را به منظور تضمین اجرای مقررات سند اتخاذ نموده و ارتكاب عمل ناقض آن را مجازات کنند.^۱

برخی دیگر از کنوانسیون‌ها نیز به گونه‌ای یکسان حاوی مقرراتی هستند که دول عضو را متعهد می‌سازد که قوانینی را تصویب و اجرا کنند که از طریق مجازات‌های متناسب، اجرای مؤثرتر مقررات کنوانسیون را فراهم آورد.^۲

۱. کنوانسیون‌های زیست‌محیطی که این رویکرد را اتخاذ نموده‌اند، از جمله شامل کنوانسیون پیشگیری از آلودگی دریایی با منشأ خشکی، (the Convention for the Prevention of Marine Pollution from Land-Based Sources, 1974: art. 12) کنوانسیون بازل در خصوص کنترل جابجایی فرامرزی پسماندهای مضر و امحاء آنها، (Basel Convention on the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and their Disposal, 1989: art. 9(5)) کنوانسیون مربوط به مقررات صید نهنگ، (International Convention for the Regulation of Whaling, 1946: art. 9(1)) کنوانسیون پیشگیری از آلودگی دریایی ناشی از نخاله‌های کشتی‌ها و هواپیماها، (Convention for the prevention of marine pollution by dumping from ships and aircraft, 1972: Art. 15(3)) و کنوانسیون پیشگیری از آلودگی دریایی ناشی از تخلیه پسماندها و مواد دیگر (کنوانسیون لندن)، (Convention on the Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and Other Matter, 1972: Arts. 4(1) and 7(2)) می‌باشند.

۲. این کنوانسیون‌ها نیز بدون قید حصر عبارتند از: کنوانسیون محافظت از فوک خزپوش و سمور دریایی در اقیانوس آرام شمالی و دریای برینگ، (Convention for the preservation of the fur seal and sea otter in the North Pacific Ocean and Bering Sea, 1897: Art. 1) کنوانسیون حفاظت و حمایت از فوک‌های خزپوش، (Convention of Preservation and Protection of Fur Seals, 1911: Art. 1 & 6; and Bailey, 1935: 11) کنوانسیون ۱۹۴۰ راجع به حمایت از طبیعت و حفاظت از حیات وحش در نیمکره غربی (Convention on Nature Protection and Wild Life Preservation in the Western Hemisphere, 1940: Arts. 5, 7 & 9) و کنوانسیون باماگو در خصوص ممنوعیت وارد کردن پسماندهای مضر به آفریقا و کنترل جابجایی فرامرزی و تنظیم آن در آفریقا. (Bamako Convention on the Ban of the Import into Africa and the Control of Transboundary Movement and Management of Hazardous Wastes within Africa, 1991: Arts. 4(1) and 9(2)) کنوانسیون بین‌المللی راجع به پیشگیری از آلودگی دریا بر اثر نفت (International Convention for the Prevention of Pollution of the Sea by Oil, 1954: Art. 6(1)) و کنوانسیون پیشگیری از آلودگی‌های

سازمان‌های بین‌المللی نیز به شناسایی جرایم زیست‌محیطی پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، پلیس بین‌الملل، به‌طور منظم برنامه‌هایی تحت‌عنوان «برنامه جرایم زیست‌محیطی» در دست اقدام دارد.^۱ برنامه‌ی محیط زیست ملل متحد (یونپ) نیز جرایم زیست‌محیطی را ضمن بیان مصادیق مختلف و متعدد (از ایجاد آلودگی‌ها گرفته تا تجارت غیرقانونی گونه‌های حیات وحش) و یادآوری انواع گسترده فعالیت‌های غیرقانونی مضر به محیط زیست، مورد شناسایی قرار داده است (Nellemann and others, 2016: 17). در فعالیت‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز می‌توان نمونه‌هایی از این شناسایی یافت. طرح پیش‌نویس کمیسیون راجع به جنایات علیه صلح و امنیت بشریت، ضمن اینکه تخریب گسترده و آسیب جدی به محیط زیست را بعنوان جنایت جنگی معرفی کرده بود، (Draft Code of Offenses against the Peace and Security of Mankind, 1991: Art. 22(2)d) ماده ۲۶ آن طرح اختصاص به جرم «خسارت عمدی و شدید به محیط زیست»^۲ داشت. شورای امنیت نیز در قطعنامه‌ی ۲۱۲۱ انهدام میراث طبیعی، شکار بی‌رویه و قاچاق حیات وحش در جمهوری آفریقای مرکزی را محکوم می‌کند. (UNSC, S/RES/2121, 2013: p. 2) همچنین، در قطعنامه ۶۸۷ در خصوص جنگ عراق و کویت، بیان می‌دارد که عراق «به موجب حقوق بین‌الملل در قبال هرگونه تلفات مستقیم، خسارات - و از جمله خسارت زیست‌محیطی و تهنی‌سازی منابع طبیعی - ... که در پی تهاجم به خاک کویت و اشغال آن رخ داده است، مسئول می‌باشد» (UNSC, Resolution 687, 1991: para. 16). شورای امنیت همچنین، به شناسایی ارتباط و وابستگی میان بهره‌برداری غیرقانونی از منابع طبیعی، شکار و قاچاق غیرقانونی حیات وحش و تجارت غیرقانونی این منابع با صلح و امنیت بین‌المللی پرداخته است و در قطعنامه‌های مربوط به جمهوری آفریقای مرکزی (S/RES/2134, 2014: 2 & 3) و کنگو، (S/RES/2136, 2014: 2 & 3) جرایم زیست‌محیطی را در کنار سایر موارد، از جمله دلایلی دانسته است که تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد.

ناشی از کشتی‌ها (کنوانسیون مارپل) (International Convention for the Prevention of Pollution from Ships (MARPOL), 1973: art. 4(1) & 4(2)) که از مهم‌ترین کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به مقابله با آلودگی دریایی هستند.

1. Visit: <https://www.interpol.int/en/Crimes/Environmental-crime>
2. Wilful and severe damage to the environment

۲. انطباق جرایم زیست‌محیطی بر جنایات تحت صلاحیت دیوان

از سیاق اساسنامه چنین بر می‌آید که عمل مجرمانه‌ای که تحت صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد، بطور کلی باید آنقدر شدید^۱ و جدی^۲ باشد که بتواند «نگرانی جامعه بین‌المللی در کل» را موجب شود. شدت عمل مزبور باید به حدی باشد که بتواند ارزش‌های بنیادین بشری یا منافع مشترک جامعه جهانی را هدف قرار بدهد و یا موجب جریحه‌دار شدن وجدان بشریت^۳ یا ورود رنج و صدمه‌ی غیرقابل جبران و شدید به گروه و جوامع گسترده شود، که در نهایت، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی بوده و نگرانی جامعه بین‌المللی در کل محسوب شود. دفتر دادستان دیوان نیز اعلام می‌دارد که «شدت» عمل مجرمانه، غالب‌ترین معیار برای انتخاب پرونده‌ها توسط آن دفتر می‌باشد (Office of the Prosecutor of ICC, 15 September 2016: para. 6). در اساسنامه‌ی رم، تکرار عباراتی همچون «شدیدترین جنایات»^۴، «جنایات سنگینی»^۵ که صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره می‌افکند، «قساوت‌هایی»^۶ که وجدان بشریت را جریحه‌دار می‌کند و «مهم‌ترین جنایاتی که نگرانی جامعه بین‌المللی در کل محسوب می‌شوند»^۷، نشان از آن دارد که عنصر «شدت» و «سنگینی» عمل، از مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین ویژگی‌هایی است که یک عمل را تحت صلاحیت دیوان قرار می‌دهد.

در خصوص جرایم زیست‌محیطی، البته در صورت گسترده بودن مقیاس کمی آن، می‌توان عنصر شدید بودن را به خوبی محرز دانست و در واقع این جرایم را از آن دسته جرایمی دانست که منافع اساسی بشریت را متأثر می‌سازند. در کردارنامه‌ی^۸ دفتر دادستانی دیوان نیز دیده می‌شود که هر دو بند ۴۰ و ۴۱ که در نهایت به تبیین لزوم پرداختن به موضوع محیط زیست ختم می‌شود، بر «شدت» یک جنایت بین‌المللی تمرکز دارد که عنصر غالب هر جنایت برای سیاست‌گذاری‌های دادستانی است (Anton, 2016: 1) و این شیوه ارتکاب^۹ و آثار^{۱۰} جرایم زیست‌محیطی است که آن را در نگاه دادستانی به عنوان گزینه‌ای برای پیگرد، برجسته می‌گرداند (Anton, 2016: 5). از سوی دیگر تأکید اساسنامه بر این است که شدت جنایات باید به حدی باشد که موجب نگرانی جامعه بین‌المللی در کل شود؛ جنایاتی دارای آثاری انسان گسترده و وسیع که صلح و

1. grave

2. serious

3. conscience of humanity

4. most serious crimes

5. grave crimes

6. atrocities

7. the most serious crimes of concern to the international community as a whole

8. Policy paper

9. Manner of Commission

10. Impact

امنیت بین‌المللی را به مخاطره افکند. به نظر می‌رسد، جرایم زیست‌محیطی بالذات، نگرانی‌جامعه بین‌المللی در کل می‌باشد.

بیانیه استکهلم به صراحت بیان می‌دارد که مسئله محیط زیست یک نگرانی جهانی است و حفاظت از آن نیازمند یک همبستگی بین‌المللی است (Stockholm Declaration on the Human Environment, 1972: at preamble, para. 7). کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز در خصوص بین‌المللی بودن و ویژگی جهانی داشتن آسیب‌های زیست‌محیطی و اینکه تخریب محیط زیست می‌تواند نگرانی مشترک همه‌ی جهان محسوب شود، دیدگاهی مشابه دارد (International Law Commission, 1991, Vol. II, part, 2: p. 117, para. 254).

کمیسیون حقوق بین‌الملل از سال ۱۹۸۴ تمایل و موافقت خود را مبنی بر اینکه زمینه‌های کافی برای معرفی خسارات شدید زیست‌محیطی به‌عنوان یک جنایت جدید، موجود می‌باشد، نشان داده است (Ortega, 1997: 305). علاوه بر این، ملل متحد و ارکان اصلی و نیز سازمان‌های تخصصی (UNESCO, Dec. 11, 1962: Preamble; operative paragraphs 35 and 36) وابسته به آن نیز همواره دغدغه پرداختن به جرایم علیه محیط زیست را داشته‌اند و اقدامات زیادی در این راه صورت داده‌اند.^۱ مجمع عمومی اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی^۲ در سال ۱۹۷۸ به موجب قطعنامه‌ای از دولت‌ها خواست که اقداماتی اتخاذ کنند که کسانی که مسئول تخریب محیط زیست دریایی یا اکوسیستم هستند مجازات شوند (the General Assembly of IUCN, 1978: 45). برنامه‌ی محیط زیست ملل متحد نیز اشاره می‌دارد که «جرایم زیست-محیطی، در سال‌های اخیر مورد توجه جهانی واقع شده است، چرا که اثرات جدی و مخربی بر محیط زیست و اکوسیستم و همچنین بر صلح، امنیت و توسعه خواهد گذاشت» (Nellemann and others, 2016: 17).

بر این اساس، جرایم زیست‌محیطی به خوبی می‌تواند از معیارها و ویژگی‌هایی که برای جنایات تحت صلاحیت دیوان تصور می‌شود، بهره‌مند باشد^۳ و در نتیجه قابلیت این را داشته باشد که

1. See: The International Meeting of Experts on the Use of Criminal Sanctions in the Protection of the Environment

Internationally, Domestically, and Regionally met in Portland, Oregon, Mar. 19–23, 1994; Greater Use of Criminal Law in Enforcement in Environmental Protection Urged, BNA INT'L ENVTL. DAILY, May 16, 1994, at 8.

2. the International Union for the Conservation of Nature and Natural Resources ("IUCN")

۳. البته برخی علاوه بر این دو معیار، معیار «قابلیت بین‌المللی مجازات» را نیز افزوده‌اند (Cryer and others, 2007: 4-5; and Einarsen, 2012: 160) که به نظر می‌آید شرطی ناصحیح و اضافی می‌باشد. اگر این شرط به این معنی باشد که جنایت بین‌المللی باید تحت حقوق بین‌الملل محاکمه و مجازات شود، قطعاً ناصحیح است، چرا که از نظر اساسنامه رم هر عمل را فارغ از اینکه منشأ بین‌المللی داشته باشد یا ملی، تنها به آن دلیل در صلاحیت دیوان قرار

موضوع صلاحیت دیوان قرار بگیرد. حال باید دید، جرایم زیست‌محیطی بر کدام یک از عناوین مجرمانه مندرج در مواد ۶، ۷ و ۸ اساسنامه می‌تواند منطبق شود.

۱.۲. ژنوسید

به موجب ماده ۶ اساسنامه رم، که عیناً متضمن مفاد ماده ۲ کنوانسیون ممنوعیت ژنوسید (آرشفور و زحمتکش، ۱۳۹۶: ۲۰۹) و نیز تدوین قاعده‌ی عرفی (ICJ, 1951: 23 and ICTY, 19 April) است، ژنوسید هر یک از اعمال زیر را شامل می‌شود که به قصد نابودی تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب یابد:

الف) قتل اعضای یک گروه؛

ب) ایراد صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی یا روحی یک گروه؛

ج) قراردادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت‌های نامناسب زندگی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آنان بشود؛

د) اقداماتی که به منظور جلوگیری از توالد و تناسل یک گروه صورت گیرد؛ و

ه) انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر.

تهدید علیه یکپارچگی محیط زیست می‌تواند بقای یک گروه از افراد را به مخاطره افکند و اگر با قصد و نیت نابودی گروه انجام شود، ژنوسید تحقق می‌یابد (Schabas, 2009: 235). آسیب به محیط زیست، وارد کردن مواد خطرناک به آن، تخریب عمدی یا گسترده به هر نحوی که بتواند در نهایت منجر به هر یک از اعمال فوق‌الذکر گردد، در صورتی که قصد مورد نیاز نیز احراز گردد، بی‌گمان می‌تواند ژنوسید قلمداد شود (Quigley, 2006: 202). در واقع، تخریب محیط زیست در این حالت، بعنوان یک روش^۱، ابزار^۲ یا وسیله^۳ برای ارتکاب ژنوسید مورد استفاده قرار می‌گیرد. این

می‌گیرد که آنقدر شدید باشد که تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی و در نتیجه نگرانی جامعه بین‌المللی در کل محسوب شود. این امر احتمال هرگونه پیوند طبیعی میان جنایات بین‌المللی و دادگاه‌های بین‌المللی را از میان بر می‌دارد. ضمن اینکه اساسنامه دیوان با رویکرد تکمیلی بودن (Complementarity) و با اهمیتی که به قانون‌گذاری و دادگاه‌های ملی می‌دهد، اصل را بر محاکمه و مجازات داخلی قرار داده و بنابراین به طور کلی فرضیه‌ی لزوم قابلیت بین‌المللی مجازات را رد می‌کند. اگر نیز شرط مزبور به این معنی باشد که جنایت بین‌المللی باید ظرفیت و قابلیت محاکمه در یک دادگاه بین‌المللی را داشته باشد، آنگاه شرطی اضافی است. چرا که این شرط از شرایط ایجاد نبوده و وقتی جرمی از حیث شدت و نیز از حیث ماهیت بین‌المللی داشتن، جنایت بین‌المللی قلمداد شد، خودبخود واجد این وصف نیز می‌گردد که بتواند در دادگاهی بین‌المللی - با رعایت مسأله‌ی صلاحیت - مورد رسیدگی واقع شود.

1. method
2. instrument
3. means

استدلال به لحاظ تئوریک کاملاً درست است و تخریب گسترده محیط زیست می‌تواند متضمن عملی باشد که به قصد نابودی کل یا بخشی از یک گروه ترتیب داده شده باشد (Schabas, 2009: 195). اما باید توجه داشت که آنچه در این حالت مجرمانه قلمداد می‌شود، اعمالی است که علیه یک جمعیت یا مردم رخ داده است و نه اعمالی که به خودی خود موجب ایراد خسارت به محیط زیست شده باشد. (Smith, 2012: 47) رویکردی که «انسان - محور»^۱ است.

جامعه جهانی در مواردی شاهد ارتکاب ژنوسید از طریق اعمال ارتكابی علیه محیط زیست بوده است. در پرونده‌ی عمر البشیر بیان شد که آلوده نمودن آبها و چاه‌ها در دارفور به هدف نابودی گروه‌های خاص جمعیتی صورت گرفته است.^۲ همچنین، در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، صدام حسین با تغییر مسیر دو رود دجله و فرات قصد داشت هورهای بین‌النهرین در جنوب عراق را خشکاند. این عمل به قصد نابودی جامعه عرب‌های هور انجام شده بود که با خشکاندن هورها منابع غذایی آنان نیز از بین می‌رفت (Smith, 2016). رویکرد موسع اتخاذی توسط دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا در پرونده‌ی آکایسو نیز جوانبی از جنایت ژنوسید را برجسته کرد که می‌تواند با جرایم زیست‌محیطی همخوانی داشته باشد. (Freeland, 2005: 128) یوگسلاوی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری نیز بیان داشت که تخریب گسترده محیط زیست می‌تواند گویای قصد ضمنی خواندگان به نابودی بخشی یا تمام یک گروه ملی قلمداد شود (Legality of Use of Force, Verbatim (Record, 10 May 1999 (Rodoljub Etinski).

۲.۲. جنایت جنگی

بی‌گمان، «محیط زیست قربانی خاموش جنگ‌افزارهای نوین است». (برنامه محیط زیست ملل متحد، ۱۳۹۳: ۲۸) به‌طور کلی به موجب حقوق بین‌الملل بشردوستانه، محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه ذیل عنوان کلی اهداف غیرنظامی از حمایت‌های خاص برخوردار می‌شود و نمی‌توان در مقابل آن از هر وسیله جنگی سود برد. (Sassoli and others, Volume I, Chapter 9: 20) روشن است که نمی‌توان از «تخریب محیط زیست طبیعی به‌عنوان یک سلاح استفاده کرد». (Henckaerts and Doswald-Beck, 2009: 151, Rule. 45) در خصوص امکان گنجاندن تخریب محیط زیست ذیل تعریف جنایت جنگی، بحث چندانی نمی‌ماند و اساسنامه به صراحت یکی از اعمالی را که ممکن است جنایت جنگی تلقی شود، ایراد خسارت شدید به محیط زیست و حمله‌ی گسترده علیه آن دانسته است.

1. anthropocentric

2. The Prosecutor v. Omar Hassan Ahmad Al Bashir , available at: <https://www.icc-cpi.int/darfur/albashir/pages/alleged-crimes.aspx> (last visited on: 10/02/2020)

شق «ب» پاراگراف دوم ماده ۸ اساسنامه بیان می‌دارد که «هرگونه نقض شدید قواعد و عرف-های مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، در چارچوب مقرر حقوق بین‌الملل، هریک از اعمال مشروحه ذیل است که جنایت جنگی تلقی خواهد شد». در ادامه در قسمت چهارم این پاراگراف، یکی از اعمال مزبور اینگونه عنوان شده است: «طراحی عمدی حمله با علم به اینکه چنین حمله‌ای لزوماً موجب نابودی یا ایراد صدمه به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا خسارت گسترده، درازمدت و شدید به محیط زیست طبیعی شود و به وضوح با مزایای نظامی کلی قطعی و قابل پیش‌بینی، تناسب نداشته باشد». بنابراین، اگر در حالت فقدان ضرورت نظامی، حمله‌ای عمدی علیه محیط زیست طراحی شود و منجر به ایراد خسارت گسترده، درازمدت و شدید شود، این اعمال می‌تواند جنایت جنگی باشد. معنی و محدوده گسترده، درازمدت و شدید مشخص نیست و قطعاً از شرایطی می‌باشد که احراز، ارزیابی و در نتیجه انتساب جنایت را با مشکل روبرو کند (Arnold and Wehrenberg, 2015: 379, para. 253).

از ماده چنین بر می‌آید که تخریب محیط زیست با ضرورت نظامی توجیه می‌شود. اما به موجب رهنمون‌های نظامی مربوط به حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه که توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ صادر شده است: «تخریب محیط زیست با ضرورت نظامی که نقض حقوق بشردوستانه باشد، توجیه نمی‌شود. در برخی شرایط خاص چنین تخریبی می‌تواند تحت‌عنوان نقض شدید حقوق بشردوستانه قابل مجازات باشد» (International Review of the Red Cross, (No. 311, 1996: para. 8).

در خصوص جنایات جنگی، بر خلاف آنچه در مورد ژنوسید بیان شد، عمل تخریب محیط زیست و ایراد خسارت شدید، درازمدت و گسترده به آن فی‌نفسه جرم شناخته شده و مورد تعقیب واقع خواهد شد، فارغ از آنکه به‌عنوان وسیله‌ای برای پیشبرد اهداف نظامی در نظر گرفته شود، یا موجب ایراد صدمات و آسیب‌هایی به مردم و غیرنظامیان شود. رویکردی که نشان از «زیست-محور»^۱ بودن دارد (McCaffrey, 2008: 1019).

با اینکه، ممنوعیت آسیب رساندن به محیط زیست در خلال مخاصمات مسلحانه و یا شناسایی آن به‌عنوان جنایت جنگی، می‌تواند دارای پایگاه‌هایی در حقوق بین‌الملل عرفی نیز باشد، (Freeland, 2015: 119 sqq) اما خسارت زیست‌محیطی به موجب ماده ۸، تا به امروز در هیچ پرونده‌ای نزد دیوان مطرح نشده است که دلیل آن می‌تواند به انگیزه‌های دادستانی در رابطه با تعقیب یا تحقیق مربوط شود (Anton, 2016: 4). این در حالی است که در تراژدی دارفور می‌توان

1. bio-centric or eco-centric

شاهد تخریب عمدی محیط زیست بود، اما شاید از آنجایی که در خلال جنگ داخلی رخ داده بود توسط دیوان مورد رسیدگی قرار نگرفت (Freeland, 2005: 131).

۳.۲. جنایت علیه بشریت

به نسبت ژنوسید و جنایات جنگی، بستر جنایت علیه بشریت، برای تعقیب جرایم علیه محیط زیست مناسب‌تر است (Smith, 2012: 50). چرا که جنایت علیه بشریت مستعد در بر گرفتن افعالی است که از درجه شدت کم‌تری به نسبت آنچه برای ژنوسید (Mistura, 2018: 210) یا برای جنایت جنگی نیاز است، (Anton, 2016: 8) برخوردار می‌باشد. از سوی دیگر ماده ۷ امکان تفسیر بیشتری را فراهم می‌آورد. ماده ۷ اساسنامه رم به جنایت علیه بشریت اختصاص دارد. این ماده بر خلاف ماده ۸، هیچ اشاره مستقیم یا غیرمستقیمی به محیط زیست ندارد. این ماده به بیان و ذکر اعمالی می‌پردازد که می‌تواند جنایت علیه بشریت محسوب شود. اعمالی چون قتل، نابودسازی، به بردگی گرفتن، شکنجه و ... که اگر «بعنوان بخشی از یک حمله نظام‌مند و گسترده علیه جمعیت غیرنظامی و با علم به حمله ارتکاب یابد» جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود.

۳.۲.۱. انطباق جرایم زیست‌محیطی با شقوق «ب» و «د» بند نخست ماده ۷ اساسنامه

اگر از محیط زیست به‌عنوان ابزاری برای تحقق هریک از اعمال مشروحه در ماده استفاده شود، به‌عنوان مثال با تخریب محیط زیست، عمل «نابودسازی جمعیت غیرنظامی» ارتکاب یابد، یا اخراج و جابجایی اجباری جمعیت در پی تخریب شدید محیط زیست رخ دهد، می‌تواند یک جنایت علیه بشریت را رقم بزند (برنامه محیط زیست ملل متحد، ۱۳۹۳: ۹۸). در این حالت، ضمن اینکه جنایت علیه بشریت ارتکاب یافته است، اما عمل اخیر است که بعنوان اتهام به مرتکب نسبت داده می‌شود و نه تخریب محیط زیست. یعنی در واقع، در این حالت جرایم علیه محیط زیست به‌طور غیرمستقیم تحت صلاحیت دیوان قرار می‌گیرد (Mistura, 2018: 210) و محکومیتی که واقع می‌شود در پی ارتکاب اعمالی علیه افراد است و نه محیط زیست.

بر اساس دو شق «ب» و «د» بند نخست ماده ۷ می‌توان از جرایم زیست‌محیطی بحث کرد. یعنی احتمال انطباق جرایم زیست‌محیطی بر دو عمل مجرمانه‌ی نابودسازی^۱ و اخراج یا جابه‌جایی اجباری جمعیت^۲ می‌رود. طبق اساسنامه رم، نابودسازی عبارت است از «تحمیل عمدی شرایط زندگی از جمله محرومیت دسترسی به غذا و دارو، که به هدف نابودی بخشی از جمعیت طراحی

1. Extermination
2. Deportation or forcible transfer of population

شود». بنابراین، مرتکبانی که به مداخله در محیط زیست طبیعی یا تخریب آن به قصد نابودی بخشی از جمعیت اقدام کنند، مشمول این دسته‌بندی خواهند شد. به‌عنوان مثال، سوزاندن سیستماتیک مزارع، محصولات و روستاهای مسلمانان روئنگیایی به منظور خارج کردن آنان از اکثریت بودائی میانمار می‌تواند مشمول این عنوان بشود (Durney, 2018: 417).

اخراج یا جابجایی اجباری نیز به موجب اساسنامه عبارت است از: «تغییر مکان اجباری اشخاص مورد نظر از طریق بیرون راندن یا دیگر اعمال مبتنی بر اجبار از منطقه‌ای که در آن حضور قانونی دارند، بدون اینکه حقوق بین‌الملل چنین مجوزی را داده باشد». با حصول سایر شرایط مانند قصد و نیت و سیستماتیک بودن عمل، شاید بتوان گفت زمین‌خواری^۱ دقیق‌ترین مصداق جرایم زیست‌محیطی است که بر این بند منطبق می‌شود (Durney, 2018: 418). به‌عنوان مثال، جنشی در جهت ارجاع پرونده‌ی دولت کامبوج به دیوان با عنوان ضبط سیستماتیک زمین‌های زراعی توسط آن دولت ایجاد شد. در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر^۲ مأمور مکاتباتی با دیوان بین‌المللی کیفری شد که ادعا می‌کرد افرادی از جمعیت‌های غیرنظامی قربانی اخراج و جابجایی اجباری از محل زندگیشان شدند که در پی اقدامات زمین‌خوارانه‌ی دولت کامبوج رخ داده بود. این مکاتبات بر این ادعا بود که این وضعیت که از سال ۲۰۰۰ تاکنون بر بیش از ۸۰۰,۰۰۰ نفر تأثیر گذاشته است، می‌تواند مصداق جنایت علیه بشریت باشد.^۳

در جنگ خلیج نیز که حکومت عراق اقدام به ریختن نفت در خلیج فارس و به آتش کشیدن عمدی چاه‌های نفتی متعدد کرد، امیر کویت از جامعه جهانی تقاضا کرد که تخریب محیط زیست را به‌عنوان جنایت علیه بشریت بشناسند (Eifan, 2007: 49).

۲.۳.۲. انطباق جرایم زیست‌محیطی با شق «ک» بند نخست ماده ۷ اساسنامه

شق «ک» بند نخست ماده ۷، به‌عنوان آخرین بند در احصاء اعمالی که جنایت علیه بشریت محسوب می‌شوند، چنین بیان می‌دارد: «و هرگونه عمل غیرانسانی دیگر با ویژگی‌های مشابه که عمداً منجر به رنج عظیم یا صدمه جدی به بدن یا به سلامت جسمی یا روحی بشود». ماده ۷ با این عبارت نشان از غیرحصری بودن موارد مذکوره دارد و قابلیت توسعه مصداقی به ماده می‌دهد.

1. Land-grabbing

2. International Federation for Human Rights (FIDH)

3. Official website of Coalition for the ICC, "Environmental destruction and land grabbing", available at: <http://www.coalitionfortheicc.org/global-challenges-ICC-environmental-destruction-landgrabbing>

در ابتدا باید بیان کرد که به موجب شق آغازین بند دوم ماده ۷، منظور از «حمله هدایت شده علیه جمعیت غیرنظامی»، «سلسله‌ای فعل‌هایی است که شامل ارتکاب چندگانه‌ی اعمال مندرج در بند نخست علیه یک جمعیت غیرنظامی در تعقیب یا در پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان برای ارتکاب چنین حمله‌ای» باشد.

در بدو امر چنین به ذهن متبادر می‌شود که حمله باید اقدامی نظامی باشد. اما باید گفت که برخلاف برخی تعاریف اولیه از جنایت علیه بشریت، حمله به موجب ماده ۷ به هیچ وجه به معنی حمله نظامی نمی‌باشد. بدین منظور، اساسنامه اقدام به بیان قواعدی عرفی کرده است که وابستگی به مخاصمات مسلحانه را منتفی می‌سازد و شائبه اینک یکی از عناصر ارتکاب جنایت علیه بشریت، این‌گونه مخاصمات باشد^۱ را از میان بر می‌دارد (Schloenhardt, 2005: 104). بنابراین، جنایت علیه بشریت می‌تواند در زمان صلح و توسط افراد غیر رزمنده ارتکاب یابد (Schloenhardt, 2005: 105).

در رابطه با اینکه مفهوم «هرگونه عمل غیرانسانی دیگر با ویژگی‌های مشابه» چیست، شعبه مقدماتی دیوان در پرونده‌ی کاتانگا، با اشاره به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و نیز با ارجاع به چند پرونده نزد دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، چنین بیان داشته است که هرگونه «نقض شدید حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق اساسی متعلق»^۲ به بشر به موجب هنجارهای حقوق بین‌الملل بشر که ماهیت و شدت مشابهی با اعمال مندرج در بند نخست ماده ۷ داشته باشند، مشمول این عنوان می‌شود. (ICC-01/04-01/07, 30 September 2008: 150, para. 448) به موجب نظر شعبه‌ی مزبور، مقصود از «ویژگی مشابه»، شباهت از حیث ماهیت^۳ و شدت^۴ جرم است. (ICC-01/04-01/07, 30 September 2008: 151, para. 451) همچنین عنصر دیگری که در تبیین مفاد این بند بیان شده است، لزوم ورود آسیب‌های بدنی به یک گروه یا آسیب به سلامت جسمانی یا روانی آنان است (ICC-01/04-01/07, 30 September 2008, p. 150, para. 449 and p. 151, paras. 453-454). این تعبیر، نشان می‌دهد که هرگونه نقض حقوق بشر نمی‌تواند داخل در این دسته‌بندی قرار بگیرد و لازم است، نقض شدید باشد. منطبق چنین

۱. دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق دقیقاً بر عکس اساسنامه رم تنها به موضوع جنایت علیه بشریت ارتكابی در زمان مخاصمات مسلحانه می‌پردازد. (Statute of the International Tribunal, 32 ILI;11203, art 5(1993)

۲. تأکید از نگارنده است.

3. nature

4. gravity

مقرره‌ای را شاید بتوان با ارجاع به «رفتار انسانی»^۱ مندرج در بند نخست ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو یافت (Hall and Stahn, 2015: 235, para. 95).

به موجب سند «ارکان جنایات»^۲ دیوان بین‌المللی کیفری، جنایت علیه بشریت «دیگر اعمال غیرانسانی»، دارای عناصر زیر است: الف) مرتکب بایستی طی آن عمل غیرانسانی، رنج عظیم یا آسیب جدی به بدن یا به سلامت جسمی یا روانی وارد کند؛ ب) این عمل باید از لحاظ ویژگی مانند سایر اعمال مندرج در بند ۱ ماده ۷ باشد؛ ج) مرتکب از اوضاع و احوالی که عمل را واجد آن ویژگی می‌کند، آگاه باشد؛ د) عمل به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا نظام‌مند که علیه جمعیت غیرنظامی هدایت شده است، ارتکاب یافته باشد؛ و ه) مرتکب بداند که عمل مزبور بخشی از چنین حمله‌ای است (ICC, The Elements of Crimes, 2011, Article 7 (1) (k)).

شعبه دوم مقدماتی دیوان در پرونده‌ای با اشاره به اصول مسلم حقوق کیفری و نیز لزوم توسل به این بند به‌عنوان آخرین راهکار، به صراحت بیان داشت که دسته‌بندی آخر جنایت علیه بشریت (شق «ک») بایستی به‌صورت محافظه‌کارانه تفسیر شود و نباید به گونه‌ای از آن استفاده شود که موجب توسعه دامنه جنایات علیه بشریت شود (ICC-01/09-02/11, 23 January 2012, p. 96, para. 269).

بنابراین، اعمال غیرانسانی دیگر را باید بر اساس ماهیت غیرانسانی آن و نتیجه بر آمده از آن یعنی ایراد رنج عظیم و صدمه‌های شدید جسمی و روانی سنجید (Hall and Stahn, 2015: 240, para. 101). ازینرو، رفتار غیرانسانی به اعمالی اشاره دارد که اصل بنیادین رفتار انسانی و به‌طور خاص، احترام به کرامت بشری را نقض کند (ICTY, IT-96-21-T, 16 November 1998, paras. 442 and 544). نتیجه نیز باید متضمن آسیب جدی^۳ باشد. تفسیری، این‌گونه بیان می‌دارد که آسیب جدی لازم نیست صدمه‌ای دائمی و غیر قابل درمان باشد، بلکه بایستی متضمن آسیبی فراتر از یک کسالت،^۴ ناخوشی^۵ یا حس حقارت^۶ موقتی باشد. بنابراین، باید رنجی باشد که منجر به ایراد نقص شدید و درازمدت در توانایی داشتن یک زندگی معمولی و کارآمد بشود (ICTY, IT-98-33-T, 2 August 2001, para. 513; ICTR-96-4-T, 2 September 1998, para. 502).

1. humane treatment

2. Elements of Crimes; adopted at the Official Records of the Assembly of States Parties to the Rome Statute of the International Criminal Court, First session, New York, 3-10 September 2002

3. serious harm

4. unhappiness

5. embarrassment

6. humiliation

برای اینکه بتوان اعمال ارتكابی علیه محیط زیست را ذیل جنایت علیه بشریت تبیین نمود قطعاً به لحاظ تئوریک بایستی شرایط و ویژگی‌های برشمرده شده در فوق را داشته باشد. بطور خلاصه، جرایم زیست‌محیطی، که می‌تواند شامل تخریب یا ایراد صدمات شدید و گسترده باشد، بایستی بخشی از یک حمله‌ی گسترده و نظام‌مند در تعقیب و یا پیشبرد اهداف یک دولت یا یک سازمان باشد و با قصد و نیت موجب ایراد صدمات شدید روحی و جسمی و یا از بین بردن حیات یک جمعیت غیرنظامی بشود و این مسأله پیرو نقض‌های جدی حقوق بشر رخ داده باشد. بنابراین، نگارندگان بر این اعتقادند که جرایم زیست‌محیطی می‌تواند ذیل شق آخر بند نخست ماده ۷ تبیین شود و به‌عنوان جنایت علیه بشریت توسط دیوان بین‌المللی کیفری تحت پیگرد قرار گیرد.

نگاه دادستانی دیوان به موضوع جرایم زیست‌محیطی قابل توجه است. دفتر دادستان دیوان، کردارنامه ۲۰۱۶ راجع به اولویت‌بندی پرونده‌ها را با توجه به جرایم زیست‌محیطی صادر کرد. این کردارنامه بیان می‌دارد که «شدت جنایات ارتكابی می‌تواند بر اساس افزایش آسیب‌پذیری قربانیان ارزیابی شود. بنابراین خسارات اقتصادی و زیست‌محیطی می‌تواند بر جوامع دخیل ضربه وارد کند. از اینرو، این دفتر توجه ویژه به تعقیب آن دسته جنایات موضوع اساسنامه خواهد داشت که به وسیله تخریب محیط زیست، بهره‌برداری غیرقانونی منابع طبیعی یا تصرف غیرقانونی در زمین واقع شده باشد یا خود منتهی به وقوع این اعمال شود» (The Office of the Prosecutor of ICC, 15 September 2016: para. 41). هرچند، کردارنامه هیچ دسته‌بندی جدیدی ذیل ماده ۷ ارائه نمی‌دهد، اما ضمن اینکه امکان بررسی جرایم زیست‌محیطی را ذیل اساسنامه رم محتمل عنوان می‌کند، به این معنی است که تحقیق و تعقیب ادعاهای تخریب محیط زیست زمانی می‌تواند انجام گیرد که جنایات موضوع اساسنامه به وسیله‌ی آن رخ داده باشد یا ارتكاب هر یک از جنایات موضوع اساسنامه منجر به جرایم زیست‌محیطی شده باشد. در واقع تخریب محیط زیست را در ردیف جنایت جنگی و ژنوسید قرار می‌دهد (Brenna, 03 OCT 2016).

گزارش مزبور که گامی مهم در حمایت از محیط زیست است،^۱ به روشنی قصد دفتر دادستانی را به تمرکز بر تعقیب جرایم متضمن تخریب محیط زیست، نشان می‌دهد. بنابراین نتایج چنین اهمی در عمل به‌هیچ وجه دور از ذهن و مبالغه‌آمیز نمی‌باشد (Mistura, 2018: 220). این بیانیه ضمن اینکه حاکی از آن است که جرایم علیه محیط زیست قابلیت تعقیب در دیوان بین‌المللی کیفری را دارد، این معنی را نیز افاده می‌کند که این جرایم به نگرانی مشترک بشریت مبدل گشته است. توجه به پرونده‌های زیست‌محیطی بعنوان اولویت‌های دادستان دیوان، نشان از

۱. برای نخستین بار می‌تواند رویکرد زیست‌محیطی در نگاه دادستان دیوان را در کردارنامه‌ی سال ۲۰۱۳، البته در قالب اشاره‌ای گذرا و با تعبیری کلی‌تر یافت. (Office of the Prosecutor of ICC, November 2013: para. 65).



آن دارد که جامعه جهانی می‌تواند بر یک دادگاه دائمی کیفری بین‌المللی در جهت محاکمه‌ی جرایم زیست‌محیطی تکیه کند (Lehman and others, 2017: 59).

۲.۳.۳. تعارض با اصل قانونی بودن

ماده ۲۲ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به بیان اصل قانونی بودن جرم^۱ می‌پردازد. در نگاه نخست به نظر می‌آید که واپسین شق از بند نخست ماده ۷ این اصل مهم و اساسی کیفری را نادیده می‌گیرد. در این خصوص به دو جهت بایستی شائبه‌ی مزبور را از ذهن زدود:

الف) واژه «عمدی» در شق «ک» بند ۱، تلاشی است برای اینکه بند مزبور را در راستای اصل قانونی بودن جرایم قرار دهد، چرا که با این مقرر به بیان سوء نیت و قصد مجرمانه‌ی فرد می‌پردازد (Hall and Stahn, 2015: p. 241, para. 104). این مسئله با در نظر گرفتن صدر بند نخست این ماده نیز تقویت می‌شود که «آگاهی از حمله» را شرط ضروری دانسته است. بنابراین، عبارت‌پردازی شق آخر بند یک، هیچ‌گونه تعارضی با ماده ۲۲ ندارد (Hall and Stahn, 2015: p. 241, para. 104).

ب) نباید فراموش کرد که «اکثر جنایات بین‌المللی ابتدا در حقوق بین‌الملل عرفی توسعه یافته‌اند و پس از آن در حقوق بین‌الملل معاهده‌ای تجسم یافته‌اند» (Bassiouni, 2008: 129). حقوق بین‌الملل محصول عرف‌ها و رویه‌های دولت‌هاست و نیز برآمده از برخی اصول بنیادین ملی است. بنابراین بر خلاف آنچه ادعا می‌شود، طرز بیان شق واپسین بند اول ماده ۷ با طبیعت و جوهر حقوق بین‌الملل سازگارتر است، چرا که قانون‌مندی^۲ را انعکاسی از رویه‌ی دولت‌ها در نظام حقوق بین‌الملل می‌داند. در این خصوص، این رویه‌ی عرفی دولت‌ها در زمینه‌ی حقوق بین‌الملل کیفری است که تعیین کننده است و چه بسا این حقوق در معاهدات نیز تدوین شوند (Bassiouni, 2008: 86).

دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق نیز بیان می‌کند که هرگاه اساسنامه در رابطه با موضوعی ساکت باشد، به حقوق بین‌الملل عرفی و اصول اساسی حقوق بین‌المللی کیفری، استناد خواهد کرد (ICTY, T. Ch. II 14.1.2000: para. 591). بند سوم ماده ۲۲ اساسنامه نیز این امر را تأیید می‌کند که اشعار می‌دارد: «این ماده هیچ تأثیری بر جرم انگاشتن هر عملی به موجب حقوق بین‌الملل، جدای از این اساسنامه، نخواهد داشت». همچنین ماده ۱۰ اساسنامه از این جهت مقررهای مشابه دارد.

1. Nullum crimen sine lege
2. legality

۳. امکان اصلاح اساسنامه در راستای شناسایی جرایم زیست‌محیطی و چالش‌های احتمالی

برخی اعمال ارتكابی علیه محیط زیست را می‌توان نام برد که به‌طور قابل دفاعی امکان قرار گرفتن ذیل حقوق بین‌الملل کیفری را دارد. این اعمال بدون قید حصر عبارت از تجارت غیرقانونی حیات وحش، واقعه‌نگاری غیرقانونی، تجارت غیرقانونی پسماندهای مضر، استثمار منابع طبیعی، زمین‌خواری، قاچاق مواد مخرب لایه‌ی اوزون و ماهی‌گیری غیرقانونی و غیرمجاز^۱ می‌باشد و قطعاً این سیاهه همه آن چیزی نیست که سبب زوال محیط زیست می‌شود (جعفری، و احمدی، ۱۳۹۸: ۶۱۵).

حقوق بین‌الملل کیفری از زمان تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری، با قافله‌سالاری دیوان، صرفاً متوجه جنایات مهم بین‌المللی شد که عمدتاً تحت‌عنوان جنایات اصلی^۲ معرفی می‌شدند. از این‌رو، حافظه‌ی جامعه جهانی نیز جز این چهار جنایت را به‌عنوان جنایت تحت صلاحیت دیوان در خاطر ندارد و علاوه بر آن در کنفرانس‌های تشکیل یا بازنگری اسناد مربوطه نیز اقبالی به گسترش این صلاحیت موضوعی دیده نشده است. این در حالی بوده است که گسترش صلاحیت دیوان نسبت به جنایاتی چون تروریسم بین‌المللی، قاچاق گسترده مواد مخدر، اخلال در سیستم‌های هوانوردی و نیز جرایم علیه محیط زیست به کرات از جانب هیأت‌های دیپلماتیک و دکترین مورد حمایت واقع شده است.

از حیث سابقه، کارهای مقدماتی تدوین اساسنامه حاوی مباحثات چندانی راجع به جرایم زیست‌محیطی نیست و تنها بحث‌های موجود، در رابطه با ایراد خسارت به محیط زیست به‌عنوان جنایت جنگی است که در نهایت نیز همان در اساسنامه گنجانده شد (International Law Commission, 1994, vol. II(2): 39).

در کنفرانس ۲۰۱۰ بازنگری اساسنامه در کامپالا^۳ اندک مباحثی که در خصوص محیط زیست وجود داشت، حول گسترش مفهوم خسارت زیست‌محیطی به‌عنوان جنایت جنگی ذیل ماده ۸ اساسنامه مطرح شده بود. به‌عنوان مثال، برخی دولت‌ها بیان داشته بودند که استفاده از سلاح‌های

۱. اعمال مزبور به‌طور کلی در ادبیات حقوقی به‌عنوان جرایم زیست‌محیطی شناخته می‌شود. بنگرید به منابع ذیل:

Rob White, *Transnational Environmental Crime; Toward an eco-global criminology*, Routledge, 2011; Gavin Hayman and Duncan Brack, *International Environmental Crimes; the Nature and Control of Environmental Black Markets*, Royal Institute of International Affairs, 2002; and Puneet Pathak, *International Environmental Crime: A Growing Concern of International Environmental Governance*, *US-China L. Rev.*, Vol. 13, 2016.

2. Core crimes

3. Review Conference of the Rome Statute, Kampala (Uganda), 31 May – 11 June 2010.



کشتار جمعی یا هسته‌ای، نظر به اینکه تخریب گسترده محیط زیست را در پی دارد، می‌تواند جنایت جنگی قلمداد شود (Report of the Working Group on the Review Conference, ICC-ASP/8/20, Vol. I, Annex II: p. 64). بطور کلی، در کنفرانس بازنگری اساسنامه هیچ بحثی راجع به افزودن صلاحیت دیوان به جرایم احتمالی از جمله، جرایم زیست‌محیطی صورت نگرفت (Smith, 2010).

گسترش روزافزون معضل تخریب محیط زیست و ایراد خسارت‌های جدی و جبران ناشدنی به آن، از یک سو و صعوبت به‌کارگیری صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری با نظم و سیاق فعلی برای رسیدگی به جرایم ارتكابی علیه محیط زیست، حقوق دانان و نویسندگان زیادی را به این سمت سوق داد که پیشنهاد درج عنوان مجرمانه جدیدی با عنوان «ایکوساید»^۱ بکنند که جرایم زیست محیطی را در بگیرد و پنجمین جنایت اصلی تهدیدکننده صلح و امنیت باشد که ذیل صلاحیت دیوان قرار بگیرد (Higgins, 2015: 61). چرا که به اعتقاد اینان، اولاً، این عنوان مجرمانه می‌تواند به آسانی موارد تخریب محیط زیستی را در بر بگیرد که در آن انتساب و استناد به ژنوسید به دلیل آستانه‌های اثباتی بالای آن ممکن نیست، (Schabas, 2009: 235) و ثانیاً، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری شایسته‌ترین و بالقوه‌ترین پایگاه برای به رسمیت شناختن ایکوساید در سطح بین‌المللی است (Kotter, 2014: 231). از این ایده در دکترین دفاع شده است که افزودن یک جنایت بین‌المللی جدید به اساسنامه رم که بتواند در صلاحیت موضوعی دیوان بین‌المللی کیفری قرار بگیرد، یکی از مؤثرترین راه‌های حمایت پسینی از محیط زیست است (Rauxloh, 2011: 452).

با این حال، مهم‌ترین دلیلی که احتمال جرم‌انگاری این عمل ذیل اساسنامه رم را بعید جلوه می‌دهد، این است که درج ایکوساید در رده جنایات اصلی تحت صلاحیت دیوان نیازمند اصلاح اساسی اساسنامه می‌باشد که در بدو امر موکول به توافق عمومی اعضای جامعه بین‌المللی مبنی بر شناسایی و تبیین چنین جرمی است. چنین توافقی نیز در چارچوب کنونی حقوق بین‌الملل کیفری دور از ذهن به نظر می‌رسد (Mistura, 2018: 225).

در صورتی که دیوان بین‌المللی کیفری شروع به اعمال صلاحیت نسبت به جرایم زیست‌محیطی کند، مخالفان پیش از هر چیز از دو منظر به آن ایراد می‌کنند. الف) بر اساس آنچه ذاتاً از یک اساسنامه انتظار می‌رود صلاحیت دیوان منحصرراً از اساسنامه ناشی می‌شود و اساسنامه نیز صلاحیت دیوان را محدود به چهار جنایت عمده کرده است و لاغیر و به‌طور جدی جرایم زیست-محیطی را استثنا کرده است. بنابراین، هرگونه اقدام در جهت توسعه صلاحیت ممکن است با این

1. ecocide

ایراد مواجه شود که سازمان بین‌المللی مربوطه خارج از حدود اختیارات خود عمل کرده است؛ حدود اختیاراتی که صرفاً بر اساس اساسنامه تعیین می‌گردد (Durney, 2018: 415). ب) با اینکه دادستانی دیوان در سال ۲۰۱۶ تمایل خود را به تعقیب جرایم ارتكابی علیه محیط زیست نشان داد، اما اعمال احتمالی صلاحیت دیوان بر این جرایم با اصلاح اساسنامه رخ نداده است و در نتیجه هر اعمال صلاحیتی ممکن است این ایراد را به دنبال داشته باشد که دیوان فراتر از اساسنامه رفته و اصول مسلم حقوق کیفری را نادیده گرفته است. بنابراین دیوان این ایرادها را در صورتی می‌تواند به حداقل برساند که وفق چهار جنایت عمده و بخصوص بر اساس جنایت علیه بشریت به موضوع محیط زیست رسیدگی کند.

با فرض اصلاح اساسنامه نیز دیوان با یک چالش بزرگ روبرو است و آن پذیرش این رویکرد از سوی جامعه بین‌المللی است. یعنی حتی در حالتی که اصلاح اساسنامه به خوبی انجام شود و کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس بازنگری با این امر موافق باشند، در مرحله بعد باز احتمالاً این گسترش صلاحیت از سوی کشورهای دیگر با مخالفت روبرو می‌شود. مسلماً دولت‌های قدرتمندی نظیر ایالات متحده که حتی امضای خود را از ذیل اساسنامه پس گرفت و هیچ تمایلی نیز به پیوستن به اساسنامه ندارد، با این توسعه صلاحیت به مخالفت بر می‌خیزند.

نباید فراموش کرد که دیوان برای اینکه بتواند به درستی رسالت خود را ادا کند، نیازمند حمایت حداکثری جامعه جهانی است و تا کنون هم دومینوی خروج دولت‌ها از اساسنامه رم جامعه جهانی را نسبت به بقای دیوان به‌عنوان یک محکمه کیفری بین‌المللی که تأسیس آن تحقق آرمانی دست‌نیافتنی بود، با ناامیدی مواجه کرده است (ذاکر حسین، ۱۳۹۵)^۱ و چه بسا توسعه صلاحیتی دیوان این ریزش و خروج را افزون کند.

درنهایت باید توجه داشت که دیوان بین‌المللی کیفری به رغم اینکه بالاترین مرجع کیفری بین‌المللی است، به تنهایی نمی‌تواند در این راه موفق باشد، بلکه کمک نهادهایی چون ملل متحد، شورای امنیت، سازمان‌های غیردولتی و جوامع مدنی لازم است تا با تأیید رویکرد دیوان از آن حمایت کرده و آن را به این سمت سوق دهند.

نتیجه‌گیری

اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بنا بر آنچه در این مقاله بررسی شد، به‌خوبی واجد کیفیت لازم برای تعقیب و مجازات جرایم زیست‌محیطی می‌باشد و ظرفیت‌های عمده‌ای در خصوص پیگرد

۱. مقاله آنلاین در نشانی ذیل:

<http://www.icicl.org/details.asp?id=432> (last visited on: 10/02/2020)



این‌گونه اعمال تحت هریک از سه موضوع جنایت ژنوسید، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت را دارد. با این حال، می‌توان گفت که اعمالی که منجر به آسیب‌های جدی زیست‌محیطی و در نتیجه متأثر ساختن یک جمعیت بشری می‌شوند، در مقایسه با سایر جنایات، چنانچه ذیل عنوان جنایت علیه بشریت تحت تعقیب قرار گیرد، برای تحقق مسئولیت کیفری محتمل‌تر به نظر می‌رسد. چرا که آستانهٔ ثبوت و احراز این جنایت به مراتب پایین‌تر و سهل‌الوصول‌تر از دو مورد دیگر است. ضمن اینکه ماده ۷ به گونه‌ای نگارش یافته‌است که تحمل تفسیرهای کارآمدتر و به روزتری را دارد.

در کردارنامهٔ ۲۰۱۶ دادستان دیده شد که در دو صورت امکان تحقق جرایم زیست‌محیطی محتمل دانسته می‌شود: نخست، هریک از جنایات سه‌گانه که از طریق جرایم زیست‌محیطی صورت گیرد، و دوم، هریک از جرایم زیست‌محیطی که در نتیجهٔ جنایات سه‌گانه رخ دهد. این مقاله ضمن اینکه به تأیید امکان احراز مورد نخست پرداخت، علاوه بر آن در خصوص احتمال اخیر، بر این نکته تأکید کرد که می‌توان با استفاده از ظرفیتی که شق واپسین بند یک ماده ۷ اساسنامه دارد، عمل مجرمانه‌ی جرایم زیست‌محیطی در صورتی که ویژگی‌های لازم را داشته باشد، ذیل عنوان جنایت علیه بشریت، آسان‌تر از دو جنایت دیگر، قرار بگیرد. یعنی اعمالی که منتهی به جرایم زیست‌محیطی با عنوان مجرمانهٔ جنایت علیه بشریت شود.

بنابراین توجه دادستانی دیوان به این موضوع، می‌تواند در جهت کمک به بسط عدالت در رابطه با این دسته از سببیت‌ها، بیشترین اهمیت را داشته باشد. چرا که، نمونه‌های بسیاری از مردمان بومی یا گروه‌های آسیب‌پذیر بوده‌اند که در نتیجه‌ی ورود خسارت به محیط زیست طبیعی با مرگ مواجه شده‌اند یا معاش آنها به نابودی کشیده شده است، صرفاً به این خاطر که منابع غنی و ارزشمندی چون نفت در محل زندگی آنان کشف یا واقع شده است.

برای شناسایی جرایم زیست‌محیطی تحت صلاحیت دیوان چه در قالب تفسیر مقررات موجود و چه در قالب اصلاح اساسنامه، چالش‌های پیش‌روی چنین تغییر متهورانه‌ای را نیز نباید نادیده گرفت و ضمن توجه به آیندهٔ دیوان و عدالت کیفری بین‌المللی قدم برداشت. در نهایت، نباید از یاد برد که هرچند حقوق بین‌الملل کیفری نوش‌دارویی برای مخاطرات زیست‌محیطی نخواهد بود، اما بی‌گمان، به ایفای نقشی حیاتی در حمایت از محیط زیست خواهد پرداخت تا هم با قدرت ارعایی خود موجب پیش‌گیری از آسیب‌های زیست‌محیطی شود و هم به‌عنوان آخرین راهکار بر ویرانه‌های محیط زیست، نهالی سبز از حمایت پسینی برویاند.

منابع

آرش پور، علیرضا و مجید زحمتکش (۱۳۹۶)، «ظرفیت‌های نظم کنونی حقوق بین‌الملل در شناسایی مفهوم ژنوسید فرهنگی»، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۵۷، ص ۲۲۵ - ۱۹۷.

برنامه محیط زیست ملل متحد (۱۳۹۳)، **حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بین‌الملل**، ترجمه سیدعلی حسینی آزاد و مهرداد محمدی، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.

جعفری، امین و اصغر احمدی (۱۳۹۸)، «جبران خسارات جرائم زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل و حقوق ایران»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۹۴، شماره ۲، ص ۶۳۳-۶۱۳.

نجفی اسفاد، مرتضی و عسکر جلالیان (۱۳۹۱)، «ضرورت تأسیس دادگاه بین‌الملل محیط زیست جهت حمایت کیفری و حقوقی از محیط زیست در مقابل خسارات وارده در جنگ ۲۲ روزه غزه»، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۶۳، ص ۲۴۱-۲۰۵.

A. Books

- Bassiouni, M. Cherif (2008), **International Criminal Law; Sources, Subjects, and Contents**, Volume I, Leiden and Boston: Martinus Nijhoff Publishers and VSP.
- Cryer, Robert and others (2007), **An Introduction to International criminal law and procedures**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Einarsen, Terje (2012), **The Concept of Universal Crimes in International Law**, Torkel Opsahl Academic EPublisher.
- Freeland, Steven R. (2015), **Addressing the Intentional Destruction of the Environment during Warfare under the Rome Statute of the International Criminal Court**, Cambridge: Intersentia.
- Hayman, Gavin and Duncan Brack (2002), **International Environmental Crimes; the Nature and Control of Environmental Black Markets**, London: Royal Institute of International Affairs.
- Henckaerts, Jean-Marie and Louise Doswald-Beck (2009), **Customary International Humanitarian Law**, Volume I, Cambridge: Cambridge University Press.
- Higgins, Polly (2015), **Eradicating ecocide: exposing the corporate and political practices destroying the planet and proposing the laws needed to eradicate ecocide**, London: Shephard-Walwyn Publisher.
- Quigley, John B (2006), **The Genocide Convention; an International Law Analysis**, Hampshire: Ashgate Publishing Limited.
- Sassoli, Marco, Antoine A. Bouvier and Anne Quintin. (n.d.). **How Does Law Protect in War?; Cases, Documents and Teaching Materials on**



Contemporary Practice in International Humanitarian Law, Volume I, (n.p.), Geneva: ICRC.

Schabas, William A. (2009), **Genocide in International Law; The Crime of Crimes**, 2nd edition, Cambridge: Cambridge University Press.

White, Rob (2007), **Transnational Environmental Crime; Toward an eco-global criminology**, London and New York: Routledge.

B. Articles

Anton, Donald. K. (2016), "Adding a green focus: The Office of the Prosecutor of the International Criminal Court highlights the 'environment' in case selection and prioritization", **Griffith Law School Research Paper**, No. 17-03, pp. 1-13.

Arnold, Roberta and Stefan Wehrenberg. (2015), "Commentary on Article 8 (War Crimes)", In: Otto Triffterer and Kai Ambos, **the Rome Statute of the International Criminal Court; A Commentary**, C.H.Beck.Hart.Nomos, pp. 375-382.

Bailey, Thomas A. (1935), "The North Pacific Sealing Convention of 1911", **Pacific Historical Review**, Vol. 4, No. 1, pp. 1-14.

Bassiouni, M. Cherif (2008), "International Crimes: The Ratione Materiae of International Criminal Law", in: M. Cherif Bassiouni (ed), **International Criminal Law; Sources, Subjects, and Contents**, Martinus Nijhoff Publishers, and VSP, pp. 129-203.

Brenna, Lorenzo (2016), "Environmental destruction is now a crime against humanity", **Translated by Camilla Soldati**, 03 OCT 2016, an Online article on Lifegate, available at: <https://www.lifegate.com/people/news/environmental-destruction-crime-against-humanity-icc> (last visited on: 02/05/2019)

Cryer, Robert (2008), "The Doctrinal Foundations of International Criminalization", In: M. Cherif Bassiouni (ed), **International Criminal Law; Sources, Subjects, and Contents**, Martinus Nijhoff Publishers, and VSP, pp. 107-128.

Durney, Jessica (2018), "Crafting a Standard: Environmental Crimes as Crimes Against Humanity Under the International Criminal Court", **Hastings Environmental Law Journal**, Vol. 24, No. 2, pp. 413-430

Freeland, Steven (2005), "Human Rights, the Environment and Conflict: Addressing Crimes against the Environment", **International Journal on Human Rights**, Vol. 2, No. 2, pp. 112-139.

Hall, Christopher K. and Carsten Stahn (2015), "Commentary on article 7 (Crime against Humanity)", In: Otto Triffterer and Kai Ambos (eds), **the Rome Statute of the International Criminal Court; A Commentary**, C.H.Beck.Hart.Nomos, pp. 178-206.

- Heller, Kevin J. (2017), "What Is an International Crime? (A Revisionist History)", **Harvard International Law Journal**, Vol. 58, No. 2, pp. 1-71.
- Kotter, Richard (2014), "Eradicating ecocide: exposing the corporate and political practices destroying the planet and proposing the laws needed to eradicate ecocide", **International Journal of Environmental Studies**, Vol. 71:2, pp. 228-233.
- Lehman, Alessandra and others (2017), "ICC to focus on environmental crimes: a landmark move for International Environmental Law", **Energy and Environment Expert Guides**, pp. 59-60.
- McCaffrey, Stephen C. (2008), "Criminalization of Environmental Protection", in: M. Cherif Bassiouni (ed), **International Criminal Law; Sources, Subjects, and Contents**, Martinus Nijhoff Publishers, and VSP, pp. 1013-1035.
- Mistura, Alessandra (2018), "Is There Space for Environmental Crimes under International Criminal Law? The Impact of the Office of the Prosecutor Policy Paper on Case Selection and Prioritization on the Current Legal Framework", **Columbia Journal of Environmental Law**, Vol. 43.1, pp. 181-226.
- Ortega, Martin C. (1997), "the ILC Adopts the Draft Code of Crimes Against the Peace and Security of Mankind", **Max Planck Yearbook of United Nations Law**, Vol. 1, pp. 283-326.
- Pathak, Puneet (2016), "International Environmental Crime: A Growing Concern of International Environmental Governance", **US-China L. Rev.**, Vol. 13, pp. 382-398.
- Rauxloh, Regina (2011), "The Role of International Criminal Law in Environmental Protection", in: Francis N. Botchway (ed), **Natural resource investment and Africa's development; New Horizons in Environmental and Energy Law series**, Edward Elgar Publishing Limited, pp. 423-461.
- Schloenhardt, Andreas (2005), "Transnational Organized Crime and the International Criminal Court; Developments and Debates", *The University of Queensland Law Journal*, Vol. 24, pp. 93-122.
- Smith, Lorraine, (2010), "What did the ICC Review Conference achieve?", *Equality of Arms Review*, Vol. 2, Issue. 2, pp. 1-10.
- Smith, Tara. (2012), "Creating a Framework for the Prosecution of Environmental Crimes in International Criminal Law", in: William A. Schabas, and others (eds.), **The Ashgate Research Companion to International Criminal Law: Critical Perspectives**, Ashgate Publishers, pp. 45-62.
- Smith, Tara (2016), "Why the International Criminal Court is Right to Focus on the Environment", **an online article available at:**



<http://theconversation.com/why-the-international-criminal-court-is-right-to-focus-on-the-environment-65920>

C. Dissertation

Eifan, Meshari K. (2007), "Head of State Criminal Responsibility for Environmental War Crimes: Case Study: The Arabian Gulf Armed Conflict 1990-1991", (S.J.D. dissertation, Pace University School of Law).

D. Case law

International Military Tribunal, Judgment, (Nuremberg 1946), American Journal of International Law, Vol. 41, 1947
 Kupres'kic' ICTY T. Ch. II 14.1.2000
 Legality of Use of Force (Yugoslavia v. Belgium et al.), Verbatim Record, 10 May 1999
 Prosecutor v. Delalic' and others. ICTY, Case No.: IT-96-21-T, 16 November 1998, paras. 442 and 544
 Prosecutor v. Furundžija, Case No. IT-95-17/1, Judgment, para. 156 (Dec. 10, 1998).
 Prosecutor v. Krstic', IT-98-33-T, 2 August 2001, para. 513; Prosecutor v. Akayesu, ICTR-96-4-T, 2 September 1998
 The Prosecutor v. Germain Katanga and Mathieu Ngudjolo Chui, No. ICC-01/04-01/07, 30 September 2008,
 The Prosecutor v. Uhuru Muigai Kenyatta and Mohammed Hussein Ali, No. ICC-01/09-02/11, 23 January 2012
 United States of America v Wilhelm List et al. (Hostage), XI LAW REPORTS OF TRIALS OF WAR CRIMINALS 1241 (1949)

E. Instruments

1953 Committee on International Criminal Jurisdiction, Revised Draft Statute for an International Criminal Court, Basic Documents of the United Nations 100, (ed. by Sohn, 1956)
 Draft Statute for an International Criminal Court with Commentaries, Yearbook of the International Law Commission, 1994, vol. II(2)
 Fourteenth session of the General Assembly of IUCN and 14th Technical Meeting, Ashkhabad, USSR, 26 September-5 October 1978: proceedings. Full text is available at: <https://portals.iucn.org/library/sites/library/files/documents/GA-14th-008.pdf>
 International Criminal Court, Office of the Prosecutor, Policy Paper on Preliminary Examinations, November 2013
 International Criminal Court. Office of the Prosecutor, Policy Paper on Case Selection and Prioritization, 15 September 2016

INTERPOL, ENVIRONMENTAL CRIME PROGRAMME: STRATEGIC PLAN 4 (2009–2010)

Stockholm Declaration on the Human Environment, adopted by the UN Conference on the Human Environment at Stockholm, 16 June 1972, Section I of Report of the United Nations Conference on the Human Environment, UN Doc. A/ CONF.48/14 and Corr.1 (1972)

United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, Recommendation concerning the safeguarding of the beauty and character of landscapes and sites, adopted by the General Conference at its twelfth session, Paris, Dec. 11, 1962

UNSC, Resolution 687 (1991)

UNSC,S/RES/2121 (2013)

UNSC, S/RES/2134 (2014)

UNSC, S/RES/2136 (2014)

Yearbook of the International Law Commission, 1994, vol. II(2)

Guidelines for Military Manuals and Instructions on the Protection of the Environment in Times of Armed Conflict, 30-04-1996 Article, International Review of the Red Cross, No. 311

F. International Reports

Nellemann, C. and others, (2016), *The Rise of Environmental Crime; A Growing Threat to Natural Resources Peace, Development and Security*. A UNEP/INTERPOL Rapid Response Assessment.

Report of the International Law Commission on the Work of Its Forty-Third Session, in; Yearbooks of the International Law Commission, 1991, Vol. II, part, 2.

Report of the International Law Commission on the work of its forty-eighth session (6 May-26 July 1996), In: Yearbooks of the International Law Commission, 1996, Vol. II, part. 2.

Report of the Working Group on the Review Conference - Eighth session, ICC-ASP/8/20 Volume I Annex II

The International Meeting of Experts on the Use of Criminal Sanctions in the Protection of the Environment Internationally, Domestically, and Regionally met in Portland, Oregon, Mar. 19–23, 1994; Greater Use of Criminal Law in Enforcement in Environmental Protection Urged, BNA INT'L ENVTL. DAILY, May 16, 1994